

به پاس سخنرانی ارزشمند
استاد دانشمند جناب آقای دکتر مهدی گلشنی (زید عزه) در اصلاح
آموزش عالی کشور^۱

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



زمانی گمان می‌رفت برنامه کنترل جمعیت در ایران، برنامه‌ای ابدی و در مسیر پیشرفت ایران است و با چنین تصویری بیش از دو دهه، امکانات کشور در مسیر عقیم ساختن جامعه بسیج شدند که آمار تکان دهنده‌ای هم دارد. مرحوم علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی (متوفی ۱۴۱۶ق) با نگارش کتاب «رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین» به نقل از دکتر حاج عباسعلی امیدی (پاتولوژیست معروف) و رئیس وقت بانک خون استان خراسان، اشاره به فضایی در اوایل دهه ۱۳۷۰

^۱ برای مشاهده سخنرانی مذکور اینجا را کلیک کنید.

شمسی دارد که منتقدان این سیاست را در سمینارها و نشست‌ها راه نمی‌دادند تا آراء طبی خود را بازگو کنند. [۱] امروزه معایب برنامه پیشین و درستی سخن منتقدان آن نظیر استاد دکتر ناصر سیم فروش (چهره ماندگار پزشکی کشور) [۲] مشخص شده است. بی‌تردید فضای مبتذل مقاله سازی در کشور و معیارهای تصنعی رشد علمی در کشور نیز تا ابد نمی‌تواند چنین باشد. زمانی فرا خواهد رسید که همگان بر مبارزه قاطعانه با مقاله سازی در دانشگاه‌ها، تغییر معیارهای ارزیابی رشد علمی کشور و بازگشت به دیدگاه‌های استادان بزرگی چون دکتر مهدی گلشنی، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر مجتبی مینوی، دکتر فرامرز رفیع پور، دکتر توفیق سبحانی و بسیاری دیگر به منظور اصلاح آموزش عالی کشور متفق خواهند شد؛ اگرچه امروز نیز بسیار دیر است.

وجود معضل صدها هزار برگه تبلیغ فروش مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌هایی که همه‌روزه در شهر تهران و در جنب قدیمی‌ترین دانشگاه کشور بازارگرمی می‌کنند، ضرورت چنین اقدامی را برای هر ایرانی دردمند بیش‌ازپیش آشکار می‌کند. آیا بازار عظیم فروش مقالات و پایان‌نامه‌ها مصرفی غیر از فضای نظام آموزش عالی کشور دارد؟

شاید این پرسش برای عده‌ای مطرح شود که چرا دانشمند وارسته‌ای چون استاد فقید دکتر سید جعفر شهیدی - باوجودی که می‌دانست، علیرغم انتقادهایش، «مدرک بازی» [۳] با قوت هرچه بیشتر ادامه خواهد یافت - باز هم فریاد برمی‌آورد که: ای مسلمانان! این رسم و راه کسب دانش نیست؟! اگر استاد دکتر مهدی گلشنی چنین می‌کند، پاسخ را باید در سنت حسنه‌ای دید که در کتاب «منیة المرید» شهید ثانی و امثال آن ستایش شده است. شهید ثانی، بحثی در باب ضرورت شهامت آموزگار در بیان حق دارد و معتقد است که از علل انحطاط فرهنگی و علمی یک جامعه، آن است که معلمان و استادان در بیان حق کوتاهی کنند و بدتر آنکه خود به تقویت رویه‌های غلط و نادرست بپردازند. شهید ثانی سخن نغز دانشمندی را می‌ستاید که می‌گفت: «انزوا و خانه‌نشینی، فرد را پاکیزه از منکرات اجتماعی نمی‌کند» زیرا آنان با خانه‌نشینی خود، دعوت به خیر و فضیلت و خوبی‌ها را به کناری نهادند و این خود یکی از عوامل تباهی هر جامعه‌ای است. [۴]

بخشی از مشکل از دوران رژیم پهلوی آغاز شد و با درگذشت بسیاری از استادان سرشناس، تبعات آن در دو - سه دهه اخیر ملموس گشت و آن قرار گرفتن آموزش علم

در ایران در ذیل نظام اداری کشور بود که همچنان ادامه دارد. هدف اولیه آن بود که مردم از سویی به تحصیل در مدارس و دانشگاه‌های تازه تأسیس و از سوی دیگر به کار در ادارات دولتی ترغیب شوند؛ این امر اگرچه نیازی مقطعی بود، اما به تدریج آنهم به برنامه‌ای ابدی برای آموزش عالی کشور مبدل شد. استاد دکتر فرامرز رفیع پور در کتاب‌های «موانع رشد علمی در ایران» و «دریغ است ایران که ویران شود» نشان می‌دهد، این روند در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران تشدید شد و به جایی رسید که مدرک تحصیلی، نه نشانه توانمندی برای حل مسئله، بلکه در درجه اول به ابزاری برای ارتقاء جایگاه شغلی افراد مبدل شد و با تصویب «قانون نظام هماهنگ پرداخت‌ها» تشدید گردید. [۵] به اعتقاد دکتر فرامرز رفیع پور اگر مقابل این توسعه سطحی گرفته نشود، از یک سو دانشگاه به «کارخانه تولید افراد ناراضی» تبدیل می‌شود و از سوی دیگر شاهد ریشه‌کنی یا حداقل تخریب بنیان‌های تفکر در ایران خواهیم بود که در نتیجه آن قدرت تفکر حکومت تنزل می‌یابد. [۶]

در گذشته، استاد دکتر سید جعفر شهیدی و استاد دکتر مجتبی مینوی (متوفی ۱۳۵۵ ه.ش) درباره این معضل بزرگ اعلام خطر کرده بودند. [۷] استاد شهیدی به یاد می‌آورد که مرحوم مینوی در جلسه چهلیم یا هفتمه مرحوم فرزنان، این سؤال را مطرح کرد که چرا دیگر امثال فرزنان‌ها (که با آن مراتب فضل و دانش، هیچ ورقه مدرکی، حتی دیپلم نداشت) تربیت نمی‌شوند؟ پاسخ او روشن بود: «چون میزان شناخت علم، یک ورقه کاغذ مربعی است که زیرش نوشته می‌شود: «این درجه به او اعطا می‌شود تا از مزایای قانونی آن بهره‌مند گردد.» و این مزایای قانونی وقتی آمد، دیگر نمی‌گذارد که مزایای علمی درست بشود.» مرحوم استاد شهیدی بر روی همین موضوع دست می‌گذارد. به باور او تا رابطه میان درجه علمی با مزایای قانونی اصلاح نشود، (اصلاح قانون) نیت‌ها از تحصیل علم، تصحیح نخواهد شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌کند که تحقیقات نباید «تابع نظام اداری» باشند. ممکن است صدها نفر وارد مقطع دکتری نشوند؛ خب! نشوند اما آن دو نفری که فقط برای یادگیری آمده‌اند، به تنهایی خلاً ۲۰۰ نفر دیگر را پر می‌کنند. [۸] مرحوم استاد شهیدی می‌نویسد: «با اطمینان خاطر می‌گوییم برنامه‌های آموزشی ما که صرفاً تقلیدی از مغرب زمین است با سنت و تربیت ما سازش ندارد و هیچ‌گاه نتیجه علمی مطلوب را نخواهد داد.» [۹] اینجا باید از خود پرسید که چرا استاد مینوی التماس می‌کرد، که از

تبدیل دانشگاه به دکان حذر کنید، و تازه او این بازار وسیع خریدوفروش مقاله ISI (؟) و پایان نامه و رساله دکتری را ندیده بود:

«بیش از بیست سال است بنده التماس می‌کنم تحصیل دانش را در این مملکت نجات دهید و این عبارت «از مزایای قانونی آن استفاده نماید» و آثار مترتبه بر آن را از میان ببرید؛ مانند رابعه عدویه که می‌خواست آتش در نعمت فردوس زند و آب بر آتش دوزخ بریزد تا مردمان خدای را نه از ترس جهنم و نه از طمع بهشت بپرستند؛ بلکه خدای را برای محبوی او بپرستند. بیا بید آتش در این دیپلم‌ها بزنید و قوانینی را که حقوقی به ازای آن‌ها قائل شده است به دریا افکنید تا مردم مملکت جز برای آموختن به دانشگاه‌ها نروند و علم را فقط برای علم بیاموزند و آنچه را که فعلاً به پشتیبانی تصدیق رسمی ادعای دانستن آن را می‌کنند، واقعاً بدانند یا دعوی نکنند...» [۱۰]

اما مسئله مهم‌تری نیز مطرح است و آن اینکه در تدوین آیین‌نامه‌های دانشگاهی، جنبه‌های مهمی از میراث ایرانی - اسلامی، خصوصاً خطوط کلی اخلاق و آداب تعلیم و تعلم نادیده گرفته شد. دیگر خبری از کتاب‌های «اخلاق ناصری» و «آداب المتعلمین» خواجه‌نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ قمری) و «منیة المرید...» شهید ثانی (متوفی ۹۶۵ ه.ق) و «المحجۀ البیضاء...» علامه فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ق) و ده‌ها کتاب و سند ماندگار دیگر از آداب تعلیم اسلامی نبود و نتیجه‌اش آن شد که به‌راحتی این امکان برای رؤسای دانشگاه‌ها فراهم شد که به‌دلخواه خود برجسته‌ترین استادان کشور همانند استاد دکتر مهدی گلشنی را با استناد به قانون - و در شرایطی که امکان عدم استفاده از آن نیز موجود بود - به‌اجبار بازنشسته کنند. آموزش علم نباید از اخلاق تهی شود؛ مگر می‌توان خواجه‌نصیرالدین طوسی را بدون اصول فرهنگی و اخلاقی او و نگاهی که به آموزش و ادب تعلیم و تعلم و مجالس علم و علماء دارد، شناخت؟ همو که در بحث رعایت حقوق والدین، استادان و مربیان را به منزله پدران دانسته است و در وجوب رعایت حرمت ایشان سخن‌ها دارد و نیکی به ایشان را «تالی صحت عقیدت» می‌داند.

بازنشستگی اجباری استاد گران‌قدر دکتر مهدی گلشنی که متعاقب سخنرانی ارزشمند ایشان در بهمن ۱۳۹۶ شمسی صورت پذیرفت، بار دیگر توجه جامعه علمی ایران را به‌ضرورت احیای اخلاق و آداب علمی در جامعه برانگیخت. معظم له بر ضرورت توجه به نیازهای واقعی کشور تأکید کرد و از احساس حقارت و غفلتی که در خصوص هویت ملی

و دینی در محیط‌های دانشگاهی ملموس شده است، انتقاد کرد و تصریح کرد که چاپ مقاله در مجلات خارجی یا داخلی به‌خودی‌خود افتخاری محسوب نمی‌شود، بلکه باید به نتیجه عملی پژوهشی که مقاله از آن اخذ شده است توجه کرد. «شرط مقاله دکانی است که آمریکایی‌ها به دست عواملشان در ایران باز کرده‌اند؛ اما خودشان هم این کار را در امریکا نمی‌کنند.»

در اینجا پیشنهاد می‌شود که مقاله استاد دکتر توفیق سبحانی با عنوان «کدام شفییی کدکنی؟» مطالعه شود که از رواج سطحی‌نگری تأسف‌باری که دامن‌گیر دانشگاه‌های کشور شده است، سخت انتقاد می‌کند. شرح اصطلاح «دانشجوی حرفه‌ای» در آن مقاله که ناظر به وضعیت تأسف‌بار پایان‌نامه‌های دانشگاهی است، واقعیات و حقایق مهمی را از وضعیت موجود در آموزش عالی کشور عرضه می‌کند که سخت خواندنی است. [۱۱] در چنین حال و هوایی دیگر خبری از آن دغدغه‌های اصیل بزرگان جهان اسلام، چون راغب اصفهانی (در الذریعه) و ابو حامد غزالی (در احیاءالعلوم) و دیگران نیست که سخن‌ها در باب ارکان تعلیم و تعلم و راه و رسم آن داشته‌اند. هم شهید ثانی و هم راغب اصفهانی هر دو تأکید دارند که نباید آموزش علوم از هدف متعالی خود خارج شود و به دکانی برای کسب درآمد مبدل شود و هر دوی آنان، طالبان علم را به تأسی از حضرت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سفارش می‌کنند که به فرمان خدای متعال مفتخر بود: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)

چنانکه بیان شد، استادان ممتاز کشور در قبال وضعیت نگران‌کننده آموزش عالی در ایران هرگز سکوت نکرده‌اند و هشدارهای آنان سرمایه‌های ارزشمند نظام آموزش عالی کشورمان هستند. در اینجا فرصت بیان تمامی دیدگاه‌های انتقادی استادان دانشگاه در خصوص وضعیت ناپه‌نجان کنونی میسور نیست و از باب مشت‌ی نمونه خروار تنها به چند نمونه آن اکتفا شد. باید قدردان استاد دکتر مهدی گلشنی بود که بار دیگر این توجه را در میان دانشجویان فهیم و زبده دانشگاه صنعتی شریف و به‌صورت وسیع‌تری در دانشگاه‌های کشور زنده کرد. بازگشت به آداب و اخلاق تعلیم و تعلم، آرزوی همه بزرگان علمی دلسوز کشور بوده است و برخی از رؤسای دانشگاه‌ها به‌جای برخورد قهری و استفاده از ابزار بازنشستگی اجباری - که ان شاء الله با تدبیر مسئولان محترم وزارت علوم ابطال شود - باید زانوی ادب در مقابل دانشمندان پیشکسوت خود بزنند و نصایح پندها و

تذکراتِ استادان برجسته کشور را شنوا باشند که شکستن ظرف اخلاق در محیط‌های علمی، به‌منزله تهی شدن دانشگاه‌ها از آداب اصیل تحصیل علم است که اثرات مخربی بر نسل‌های آتی خواهد داشت.

نصیحت‌گوش کن جانا که از جان دوست‌تر دارند
جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را

-
- [۱]. سید محمدحسین حسینی طهرانی (۱۴۱۵ ه.ق) رسالهٔ نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین. طهران، انتشارات حکمت، ص ۱۳۲
- [۲]. همان، ص ۷۶.
- [۳]. اصطلاح فوق از آن استاد مرحوم است.
- [۴] علاقه‌مندان این بحث را می‌توانند در ترجمه آن کتاب با مشخصات زیر دنبال کنند: شهید ثانی (۱۳۵۹ش) آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه) سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- [۵] رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۳ ه.ش) دریغ است ایران که ویران شود، تهران (چاپ اول) شرکت سهامی انتشار، ص ۱۷۷-۱۷۸.
- [۶]. همان، ص ۱۸۱.
- [۷] برای مطالعه دیدگاه استاد مینوی ببینید:
- مینوی، مجتبی (آذر ۱۳۵۱ ه.ش) به دانشجویان پندپذیر، یغما، شماره ۲۹۱.
 - مینوی، مجتبی (فروردین ۱۳۷۰ ه.ش) یادی از علامه سید محمد فرزانه، کلک، شماره ۱۳.
- [۸] شهیدی، سید جعفر (فروردین ۱۳۶۳ ه.ش) نشستی با اندیشمند فرزانه دکتر سید جعفر شهیدی، کیهان فرهنگی، شماره ۱. ص ۷ و ۸. نیز ببینید: شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۲ ه.ش) از دیروز تا امروز؛ مجموعه مقالات. تهران (چاپ اول) نشر قطره، ص ۷۳۶ و ۷۳۷.
- [۹]. همان، ص ۷۳۷.
- [۱۰] مینوی، مجتبی (فروردین ۱۳۷۰ ه.ش) یادی از علامه سید محمد فرزانه، کلک، شماره ۱۳، ص ۲۴۷-۲۴۹.
- [۱۱]. سبحانی، توفیق (آبان ۱۳۸۹ ه.ش) کدام شفیعی کدکنی؟ اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۵۶.